

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی محاجه شیطان با گناهکاران

با محوریت آیه ۲۲ سوره مبارکه ابراهیم علیه السلام

فاطمه تقی زاده^۱

چکیده

در آیات قرآن، صحنه محاجه گنهکاران در قیامت با خداوند، فرشتگان، با دیگر دوزخیان و همچنین شیطان ترسیم گردیده است تا عاقبت عدم اطاعت الهی و پیروی از شیطان و رهبران ضلالت را تذکر داده و این مساله باعث هدایت انسان ها گردد. یکی از این احتجاجات، محاجه شیطان با گنهکاران در آیه ۲۲ سوره ابراهیم علیه السلام می باشد که هدف این تحقیق، پرداختن به این احتجاج و تبیین مضمون آن است. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و با استناد به تفاسیر مختلف، ذیل آیه شریفه تدوین یافته است. نتیجه پژوهش نشان می دهد عاقبت محاجه شیطان با جهنمیان آن است که شیطان به وحدانیت الهی اقرار نموده و گناه شرک را به گنهکاران نسبت می دهد. همچنین این آیه شریفه به این مساله اشاره می کند که گنهکاران، عاقبت به عذاب الهی گرفتار می شوند و در آن لحظه هم گرفتار عذابند و هم از ناحیه شیطان که زمانی از او پیروی می کرده اند، طرد شده و از آنها ابراز بیزاری و برائت می نماید و نمی تواند به فریاد آنها برسد.

کلیدواژه: محاجه، احتجاج، شیطان، گنهکاران، آیه ۲۲ سوره ابراهیم.

مقدمه

برخی از آیات قرآن به گفتگوها و احتجاجات جهنمیان و گناهکاران با خداوند، فرشتگان، شیطان و محاجه دوزخیان با یکدیگر اشاره دارد که با بررسی آیات قرآن این مساله روشن است که

^۱ . طلبه سطح دو حوزه علمیه زینب کبری سلام الله علیها Fatima.dadras@gmail.com

در روز قیامت، گنهکاران ابتدا از خداوند درخواست برگشت به دنیا و جبران گذشته خود را دارند که خداوند با سخنان عتاب آمیز آنان را مخاطب ساخته که آیات، رسل و دلایل روشن برای هدایت شما آمد، اما شما آنان را تکذیب کردید. سپس گنهکاران زبان به اعتراف گشوده و به شقاوت خود اقرار می کنند و در برخی آیات هم به این مساله اشاره نموده که تقصیر را به گردن رهبران خود می اندازند. در یکی از این احتجاجات که میان گنهکاران با شیطان رخ می دهد، در آیه ۲۲ سوره ابراهیم علیه السلام به آن اشاره کرده و پاسخ شیطان خطاب به این افراد را آورده است که می گوید من تسلطی بر شما نداشتم و فقط به شما وعده داده و دعوتتان می کردم، این شما بودید که می پذیرفتید و من از شما بیزارم.

این کلام شیطان، نشان دهنده موقعیت حقیقی اوست که هیچ قدرت و تاثیرگذاری ندارد و از سوی دیگر، به خاطر سرزنش و ملامت کافران، می خواهد آنان را از خود دور کند و به همین خاطر است که از آنان بیزاری نیز می جوید. در حقیقت، مفهوم این آیه، دلالت روشنی بر این معنا است که انسان بر اعمال خودش تسلط دارد و پاداش و کیفر، همه به عمل او مرتبط است نه غیر او و مدح و سرزنش در روز قیامت به خودش برمی گردد.

این مقاله قصد دارد به بررسی صحنه احتجاج شیطان با گنهکاران و مضمون آن بپردازد و این مساله را به طور دقیق تبیین نماید.

بنابراین سوال اصلی که این تحقیق درصدد پاسخ به آن می باشد آن است که مضمون محاجّه شیطان با گنهکاران در روز قیامت با توجه به آیه ۲۲ سوره ابراهیم علیه السلام چیست و چه نتیجه‌ای از این گفتگو حاصل می شود؟

همچنین سوالات فرعی این تحقیق آن است که:

۱- به چه دلایلی گناهکاران تقصیر را متوجه شیطان می کنند و شیطان چگونه از خود دفاع می کند؟

۲- چه تفاوتی میان وعده الهی و وعده شیطان است؟

۳- دانستن این گفتگوی قرآنی چه ثمره ای برای مخاطبین دارد؟

ضرورت و اهمیت پرداختن به این موضوع از آن جهت است که یکی از مهم ترین آموزه های اسلام، اطاعت خداوند و عدم پیروی از خطوات شیطان است. چراکه اطاعت خدا، علاوه بر مواهب دنیوی، پاداش اخروی نیز دارد و خداوند در آیات قرآن، پیوسته از ماهیت حقیقی شیطان و سبب دشمنی او با انسان پرده برداشته است. دشمنی شیطان با انسان و تلاش او برای گمراهی وی تا

برپایی قیامت ادامه خواهد داشت و تنها در آنجاست که حقایق آشکار شده و انسان گنهکار پی به اصل ماجرا می برد و آنجاست که برای نجات خویش دست به هر کاری می زند و با شیطان و رهبران ضلالت به خاطر عاقبتش محاجه می کند. با توجه به این مباحث، اهمیت پرداختن به مسائلی مانند افشای ماهیت حقیقی شیطان و عاقبت پیروی از او روشن می گردد و انجام پژوهش‌هایی که با استناد به آیات قرآن، این حقایق آشکار شود، ضروری می نماید. از جمله تحقیق حاضر، که سعی دارد با استناد به آیه ۲۲ سوره ابراهیم علیه السلام و با ترسیم صحنه احتجاج میان شیطان و گنهکاران در روز قیامت که در این آیه تبیین گردیده، ماهیت واقعی شیطان و عاقبت پیروی از او را با توجه به نظرات مفسرین بررسی نماید.

اهدافی که در این تحقیق دنبال می شود عبارتند از:

۱- شناسایی مفهوم و معنای محاجّه و انواع احتجاجاتی که گنهکاران در روز قیامت دارند.
۲- شناسایی مصداق شیطان در آیه ۲۲ سوره ابراهیم که منظور از شیطان در این آیه چه کسی است.

۳- بررسی و تطبیق دیدگاه مفسرین پیرامون محتوای محاجّه شیطان با گنهکاران و تبیین دقیق ماهیت شیطان.

۴- عبرت پذیری از این گفتگوی قرآنی.

در مورد پیشینه موضوع تحقیق باید گفت در مورد این موضوع که با محور قرار دادن آیه ۲۲ سوره ابراهیم علیه السلام، به بررسی احتجاج شیطان با گنهکاران پرداخته است، در کتب تفسیری، ذیل آیه شریفه، مفسرین به تبیین دیدگاه‌های خود پیرامون این مناظره و محاجه میان آن‌ها پرداخته‌اند. در تفسیر شریف المیزان تألیف علامه طباطبایی، نشر جامعه مدرسین قم، ۱۳۷۴، جلد ۱۲، از صفحه ۶۱ تا ۶۹، به طور مفصل، کلمات و عبارات این احتجاج را شرح و تفسیر نموده‌اند.

و در تفسیر نمونه، تألیف آیت الله مکارم شیرازی، نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳، جلد ۱۰، از صفحه ۳۵۲ تا ۳۵۵ به تفسیر این آیه اختصاص یافته و با استفاده از کلمات و عبارات آیه، مناظره میان شیطان و گنهکاران را بررسی نموده‌اند.

همچنین در کتاب تفسیر نور، نوشته حجت الاسلام قرائتی، نکته‌ها و پیام‌هایی را که در این آیه وجود دارد، استخراج نموده‌اند.

در مورد آثار پژوهشی پیرامون این موضوع نیز باید گفت با جستجویی که محقق در سایت هایی مانند ایرانداک، نورمگز، علم نت و... انجام داد، تنها اثر پژوهشی در قالب مقاله که مرتبط با عنوان تحقیق می باشد را یافت و اثر دیگری که به مساله مناظره و محاجه شیطان با دوزخیان، جهنمیان و گنهکاران پرداخته باشد، نیافت.

مقاله «گفتگوی دوزخیان با یکدیگر» نوشته یعقوب جعفری، مجله درسهای از مکتب اسلام، سال ۴۹، شماره ۹، آذر ۱۳۸۸. در این مقاله، به طور کلی به بررسی انواع مناظرات و گفتگوهای که دوزخیان با یکدیگر دارند، پرداخته است.

بنابراین با توجه به منابعی که بیان گردید، امتیازی که تحقیق حاضر دارد آن است که از حیث پرداختن به این مساله، از آثاری است که گام نخست را برداشته است و مساله مناظره شیطان با گنهکاران را با محور قرار دادن آیه ۲۲ سوره ابراهیم، بررسی می نماید.

این مقاله، با روش کیفی و اسنادی، به پژوهش در منابع و متون تفسیری پرداخته است. شیوه‌هایی که برای بررسی این متون مورد استفاده قرار گرفته است، شیوه‌های توصیفی، تحلیلی و تطبیقی است. در این تحقیق به جستجوی واژه‌های کلیدی در کتاب‌های لغوی و اصطلاحی و بحث‌های تفسیری که در کتاب‌های تفسیری ذیل آیه ۲۲ سوره ابراهیم علیه السلام، پرداخته است.

معناشناسی واژگان

شناخت معنای واژگان، نخستین گام در پژوهش است. بنابراین در این قسمت، مفهوم محاجّه، احتجاج و شیطان مورد بررسی لغوی و اصطلاحی قرار می‌گیرد.

محاجّه: محاجّه به معنای بحث کردن همراه با پرخاش می باشد و محاجّه آن است که در خصوصیت میان دو یا چند نفر، هرکس بخواهد حجت و راه دیگری را رد کند.^۱ محاجه متکی بر برهان و استدلال است و هریک از طرفین بر منطقی بودن گفته‌هایشان تردید به خود راه نمی‌دهند. هرچند استدلال ایشان از نظر دیگران منطقی نباشد.^۲

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن کریم، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۴۵۲.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق، ج ۳، ص ۲۸.

احتجاج: احتجاج از باب افتعال به معنای اقامه حجت و دلیل و برهان بر مدعا می باشد^۱ که از

ریشه «حجج» به معنای قصد گرفته شده است.^۲

یکی از موارد احتجاج در قرآن، محاجّه شیطان با گناهکاران در روز قیامت است که بخشی از این احتجاج در آیه ۲۱ و ۲۲ سوره ابراهیم علیه السلام به آن اشاره شده است. در آیه ۲۱ سوره ابراهیم علیه السلام آمده است که هنگام برپایی قیامت گناهکاران می گویند: «وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتَنُونَ عَلَيْنَا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ»^۳ و (در قیامت، مردم) همگی در پیشگاه خدا ظاهر شوند. پس ضعیفان به مستکبران گویند: ما (در دنیا) پیرو شما بودیم، پس آیا (امروز) می‌توانید چیزی از عذاب خدا را از ما بازدارید؟

مستکبران و رهبران کفر در پاسخ آنها می گویند: «قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهْدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجَزْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَحِيصٍ»^۴ (آن‌ها در پاسخ) گویند: اگر خداوند ما را (به رهایی از عذاب) هدایت کرد، قطعاً ما شما را هدایت می‌کنیم بر ما یکسان است که فریاد و ناله بزنیم یا صبر کنیم (و ضجّه‌ای نزنیم) برای ما هیچ راه نجاتی نیست.

در ادامه این گفتگو و در آیه ۲۲، به پاسخ شیطان و احتجاج شخص ابلیس با کفار اشاره می‌کند که کلام وی با لحن خشن تر و صراحت بیشتری بیان می‌گردد: «وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَ مَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلَا تَلُمُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^۵ و شیطان، هنگامی که کار تمام می‌شود، می‌گوید: خداوند به شما وعده حق داد؛ و من به شما وعده (باطل) دادم، و تخلف کردم! من بر شما تسلطی نداشتم، جز اینکه دعوتتان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید! بنابراین، مرا سرزنش نکنید؛ خود را سرزنش کنید! نه من فریادرس شما هستم، و نه شما فریادرس من! من نسبت به شرک شما درباره خود، که از قبل داشتید، (و اطاعت مرا هم‌ردیف اطاعت خدا قرار دادید) بیزار و کافرم! مسلماً ستمکاران عذاب دردناکی دارند.

۱. همان، ج ۲، ص ۲۲۶.

۲. زبیدی، مرتضی، تاج العروس، بیروت: دارالفکر، بیتا، ج ۳، ص ۳۱۴.

۳. ابراهیم: ۲۱.

۴. همان.

۵. ابراهیم: ۲۲.

در تفسیر نور در مورد ابراز بیزاری شیطان از جهنمیان و گنهکاران گفته شده است: «حتی شیطان هم انسان فاسد را سرزنش می کند و همین ملامت، یکی از دلایل آزادی و اختیار انسان است، زیرا انسانی که مجبور به کاری شده باشد، ملامت نمی شود. بنابراین نباید گناه خود را به گردن شیطان انداخت.»^۱

رهبران گمراهی و ضلالت هنگامی که این حقیقت آشکار می شود که هیچ قدرتی برای رستگاری و سعادت اولیای خود ندارند و با سرزنش و توبیخ آنها روبه رو می گردند، این ملامت و توبیخ را به آنها بازگردانده و مدعی می شوند که این خودتان بودید که راه انحراف را انتخاب کردید و هیچ سرزنشی متوجه من نیست. چون شما قدرت انتخاب داشتید و من هم فقط شما را دعوت نمودم.

۵- اقرار به وحدانیت الهی و نسبت دادن شرک به گنهکاران

در انتهای آیه و در خاتمه احتجاج ابلیس با جهنمیان، وی به وحدانیت الهی اقرار نموده و از شرک اعتقادی گنهکاران براءت جسته و می گوید: «إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» که در حقیقت عاقبت و پایان کار تمامی گمراهان را در روز قیامت به تصویر می کشد. مفسران در مورد این بخش از آیه نظرات و دیدگاه های خود را تبیین نموده اند که در این قسمت به آنها پرداخته می شود.

علامه طباطبایی می فرماید: «إني كفرت بما اشرکتُمون من قبل»، یعنی من از اینکه شما در دنیا مرا شریک خداوند گرفتید بیزاری می جویم. و مراد از «شریک گرفتن»، شریک در پرستش نبوده بلکه مراد، شرک در اطاعت است.»^۲

ایشان در ادامه می فرمایند: «این بیزاری جستن، مخصوص به شیطان نیست، بلکه خدای تعالی آن را از هر متبوع باطلی نسبت به تابع خود حکایت نموده که در روز قیامت اظهار می دارند که شرک ورزیدن شما جز یک وهم سرابی بیش نبوده و ما در این بین تقصیری نداریم.»^۳

ایشان همچنین می فرماید: «باز از ظاهر کلام بر می آید که جمله «ما انابمصرحکم و ما انتم بمصرخی» کنایه از این است که میان من و تابعینم رابطه ای نبوده است. نه پندار دنیائیتان که من متبوع شما بودم امروز به درد شما می خورد، و نه اینکه شما تابع من بودید به درد من می خورد،

۱. قرائتی، تفسیر نور، ج ۴، ص ۴۰۷.

۲. طباطبایی، تفسیرالمیزان، ج ۱۲، ص ۶۷.

۳. همان.

من از شرک شما بیزارم ، یعنی من شریک خدای تعالی نیستم ، و اگر از شما بیزاری می جویم برای این است که شما ستمکار بودید، و به خود ستم کردید، و ستمکاران امروز در عذاب دردناک هستند، و دیگر مجوزی برای حمایت از آنان ، و نزدیکی به آنان نیست.^۱

و در نهایت علامه عاقبت احتجاج شیطان با جهنمیان و پایان کار آنان را در روز قیامت این گونه تبیین می نماید: «در این سیاق شاهد بر این است که تابعین شیطان در آن روز، وی را به باد ملامت می گیرند، که تو این مصیبت ها را بر سر ما آوردی، حال بیا با ما شرکت کن، او هم در پاسخ می گوید میان من و شما رابطه ای نیست و ملامت شما، همه به خودتان بر می گردد، و من نمی توانم با شما تماس بگیرم و نزدیک شما شوم، زیرا من از عذاب دردناکی که برای ستمکاران آماده شده است می ترسم و شما هم از آنان هستید. انسان مختار است و خود مسؤول نیک و بد اعمال خویش است. انسان خودش مسؤول کارهای خویش است (و نباید این کاسه را سر دیگری بشکند) چون هیچ کس بر او مسلط نبوده است، پس هر وقت خواست کسی را ملامت کند، خودش را ملامت کند، و اما مساله تابع بودن او و متبوع بودن شیطان امر موهومی بیش نیست و حقیقتی ندارد، و بزودی در قیامت آنجا که شیطان از انسان بیزاری می جوید و ملامتش را به خود او برمی گرداند، این حقیقت روشن می شود. این آیه دلالت روشنی بر این معنا بود که انسان به تمام معنا بر اعمال خود مسلط است و پاداش و کیفر عمل به خود او مرتبط و از غیر او مسلوب است و مدح بر عمل و سرزنش از آن به خودش بر می گردد.»^۲

در تفسیر نمونه در مورد عاقبت محاجه شیطان با جهنمیان از زبان ابلیس آمده است: «اکنون فهمیدم که شرک در اطاعت، هم مرا بدبخت کرد و هم شما را؛ همان بدبختی و ادباری که راهی برای اصلاح و جبران آن وجود ندارد، پس بدانید «مسلماً ستمکاران عذابی دردناک دارند: «إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^۳ و در ادامه می فرماید: «در اینکه جمله «إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» دنباله سخنان شیطان است یا جمله مستقلی است از ناحیه پروردگار، در میان مفسران گفت و گوست اما بیشتر چنین به نظر می رسد که جمله مستقلی است از طرف خداوند که در پایان گفت و گوی شیطان با پیروانش به عنوان یک درس آموزنده فرموده است.»^۴

۱. همان، ص ۶۸.

۲. طباطبایی، تفسیرالمیزان، ج ۱۲، ص ۶۹.

۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۳۵۳.

۴. همان، ص ۳۵۵.

در تفسیر نور عاقبت و پایان کار گنهکاران را این گونه تبیین می نماید: «در قیامت رابطه ها قطع می شود و رهبران باطل و پیروان آنان از یکدیگر بیزاری جسته و این عبارت نشان می دهد که استجابات دعوت های شیطانی، ظلم به خود و مکتب است.»^۱

با توجه به بحثی که میان گنهکاران و شیطان در قیامت رخ می دهد، در نهایت شیطان پس از ابراز بیزاری از انسان های کافر و اقرار به وحدانیت خدا و تحقق وعده های الهی، کفار را به این مساله آگاه می کند که در حقیقت شرکی که شما مرتکب شدید، مقصر آن شما بودید و خودتان آن را انتخاب کردید، همان گونه که من نیز این کار را کردم و در این روز، هرکس مسئول اعمال خودش است و من نمی توانم بار گناه شما را به دوش کشیده و شما را یاری کنم.

نتیجه گیری

با توجه به آیه ۲۲ سوره ابراهیم علیه السلام که در مورد احتجاج شیطان با جهنمیان است، این آیه در حقیقت از زمانی خبر می دهد که کار قضاوت و رسیدگی به حساب کتاب انسان ها به پایان رسیده و کار از کار گذشته است و دیگر امکان جبران وجود ندارد. همچنین منظور از شیطان در این آیه، شخص ابلیس است که وقتی با جهنمیان روبه رو می شود و در حقیقت کار به پایان و انتهای خود رسیده، ابلیس حقیقت خود را بر گنهکاران و جهنمیان آشکار می سازد.

شیطان در ابتدای احتجاج خود این مساله را بیان می کند که وعده ای که خداوند به شما میداد حق بود و می بینید که خدا به وعده اش عمل کرد اما من شما را فریب می دادم و وعده ام باطل بود.

همچنین با توجه به احتجاج شیطان با گنهکاران و ترسیم آن صحنه در آیه ۲۲ سوره ابراهیم، در مورد تسلط شیطان بر انسان، مشخص می شود که شیطان، فقط انسان را وسوسه نموده و او را دعوت می نماید، اما تسلطی از جهت مجبور کردن او برای انجام کار فاسد و گناه ندارد و این خود انسان است که انجام گناه را انتخاب می نماید و یکی از مهم ترین دلایل این مساله، آیات قرآن و همچنین ملامت شیطان است، چرا که اگر انسان به اجبار دست به گناه زده بود سرزنش نمی شد و قابل ملامت نبود.

^۱ . قرائتی، تفسیر نور، ج ۴، ص ۴۰۸.

همچنین در مورد دلیل ابراز بیزاری شیطان از گناهکاران در روز قیامت آن است که در آن روز حقایق آشکار می شود و همه گناهکاران از جمله شیطان درصدد هستند که با ترفندهای مختلف گناه و تقصیر را به گردن دیگری بیاندازند و یا با برائت و بیزاری جستن از یکدیگر خود را تبرئه کنند.

طبق آیه شریفه، عاقبت محاجه شیطان با جهنمیان آن است که شیطان به وحدانیت الهی اقرار نموده و گناه شرک را به گناهکاران نسبت می دهد. همچنین این آیه شریفه به این مساله اشاره می کند که گناهکاران، عاقبت به عذاب الهی گرفتار می شوند و در آن لحظه هم گرفتار عذابند و هم از ناحیه شیطان که زمانی از او پیروی می کرده اند، طرد شده و از آنها ابراز بیزاری و برائت می نماید و نمی تواند به فریاد آنها برسد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن کریم، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی، ۱۳۶۹.
۲. زبیدی، مرتضی، تاج العروس، بیروت: دارالفکر، بیتا.
۳. قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۴. مصطفوی، حسن، التحقیق، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۰ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: اسوه، ۱۴۲۵ق.
۷. صدر حاج سیدجواد، احمد و دیگران، دایره المعارف تشیع، تهران: حکمت، ۱۳۹۱.
۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم جامعه مدرسین، ۱۳۷۲.
۱۰. بحرانی، سیدهاشم، تفسیر البرهان، قم: موسسه بعثت، ۱۴۱۵ق.

۱۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸.